

تشنگان حقیقت

تحقیقی پیرامون مناظرات مختلف در عصر امام صادق (ع)

نویسنده: زهرا صرامی

تحصیلات: کارشناسی شیمی

فارغ التحصیل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

نشانی الکترونیکی:

Mahtab6210@yahoo.com

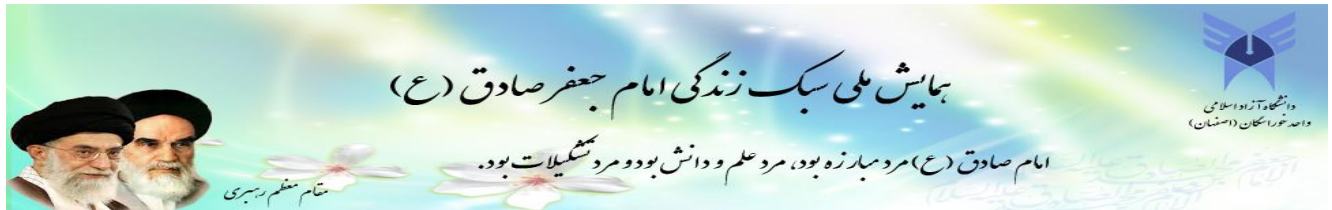
چکیده:

امامت امام همزمان با سال های پایانی حکومت بنی امیه و سال های آغازین حکومت بنی عباس بود. عصر ایشان زمان جنبش فرهنگی و فکری و برخورد فرق و مذاهب گوناگون است. بیشترین احادیث شیعه در تمام زمینه ها از امام جعفر صادق (ع) نقل گردیده و مذهب تشیع به نام مذهب جعفری خوانده می شود .

امام صادق (ع) را باید پایه گذار مکتب غنی جعفری دانست. ایشان فقه و کلام و حدیث را با یک حرکت علمی گسترده، پر بار نمود.

مناظرات ایشان در شرایطی بود که بحث های علمی متداول بین مکتب های مختلف وجود داشت.

هدف در این تحقیق بیان این مناظرات گوناگون و بررسی آن هاست.



مقدمه:

امام صادق فرموده است: مباد مردم تو را به خود مغرور کنند که زینانش نه به آنان، بلکه به تو می رسد. روز خود را با فلان کار و فلان کار سپری مکن چه کسی (فرشته ای) با تو همراه است می شمارد نیکی اندک را اندک بدان چه فردا آن را در جایی می بینی که شادمانت می کند. بدی اندک را اندک بدان. چه فردا آن را در جایی می بینی که اندوهگینت می کند. نیکی کن. هیچ چیز را ندیده ام که همپای یک حسنه بتواند گناه کهنه ای را تعقیب کند و خود را بدان برساند.^۱ خداوند فرموده است: ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين (۱۴/هود)

امام جعفر صادق (ع) بعد از مجلس درس روزانه خود به مناظره با افراد مختلف از جمله خدانا باوران می پرداخت. در متن بعضی از این مناظرات به مسایلی علمی همچون گردش خون - که در آن زمان ناشناخته بوده - اشاره شده است.

عصر امام صادق (ع) عصر بسیار حساس و مهمی بود، اگر وجود حضرت نبود، مسیر اسلام، مسیر دیگری می شد، تحریفات و انحرافات به قدری بر تعالیم اسلام سایه گسترده بود که نیاز به یک پالایش جدی داشت. با توجه به این که در زمان امام صادق (ع) بیش از یک قرن از رحلت پیامبر اکرم (ص) می گذشت، مسلمانان از سنت اسلام و تفسیر صحیح آیات دور شده بودند، و هر چه از عصر پیامبر (ص) می گذشت انشعابات بیشتر می شد، در چنین شرایطی امام صادق (ع) اسلام ناب محمدی را به مردم شناساند.

ما نباید امام صادق (ع) را منحصر به جهان شیعه کنیم، بلکه امام صادق (ع) بر روی غیر شیعیان هم تأثیرگذار بودند، این حرف از مناظراتی که با دیگران داشتند و آن‌ها تصریح به فضل و دانش امام می کردند روشن می شود، این‌ها نشان می دهد که امام صادق (ع) امام فرهنگی فضای عصر خود بودند. امام صادق (ع) در زمانی وارد فضای فرهنگی امت شدند که دوره منع حدیث تمام می شود؛ بنابراین آن حضرت از این فضا حداکثر استفاده را کرده و اصحاب را به کتابت حدیث تشویق می کنند و بسیاری از کتاب‌های روایی ما در زمان امام صادق (ع) تدوین شده است.

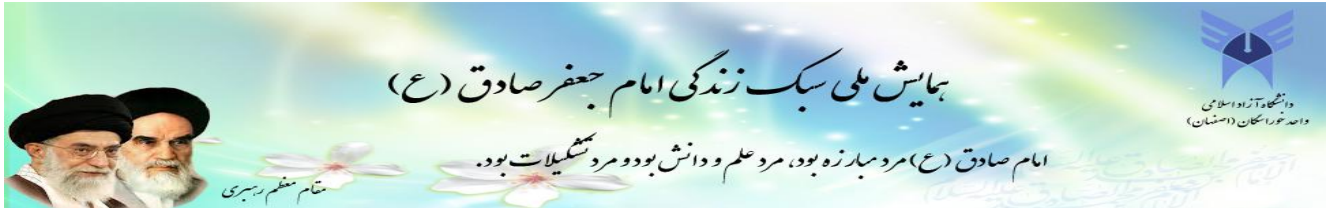
روش تحقیق، کتابخانه ای است.

فصل اول

عصر حضرت امام صادق (ع)

ایام امامت حضرت جعفر بن محمد الصادق (ع) روزگار عجیبی بوده است.

^۱ اختصاص، ابو عبدالله محمد بن محمد شیخ مفید، ترجمه و تحقیق حسین صابری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، صفحه ۳۰۴



عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سو اغتشاش ها و انقلاب های پیاپی گروه های مختلف ، به ویژه از طرف خون خواهان امام حسین (ع) رخ می داد ، که انقلاب "ابو سلمه" در کوفه و "ابو مسلم" در خراسان و ایران از مهم ترین آن ها بوده است . و همین انقلاب سرانجام حکومت شوم بنی امیه را برانداخت . اما در نهایت بنی عباس با توطئه ، به ناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند . دوره انتقال حکومت هزار ماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی بود که زندگی امام صادق (ع) را فراگرفته بود . و از دیگر سو عصر آن حضرت ، عصر برخورد مکتب ها و ایدئولوژی های مختلف بود ، که از برخورد ملت های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج ، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود .

عصری که کوچک ترین بی تفاوتی نسبت به آن موجب نابودی دین هم از درون و هم از بیرون می شد . پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی باید از یک سو به فکر نجات افکار مسلمانان از الحاد و بی دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر حقیقی آن باشد . و از توجیهاات غلط و وارونه دستورات دین به وسیله خلفای وقت جلوگیری کند .

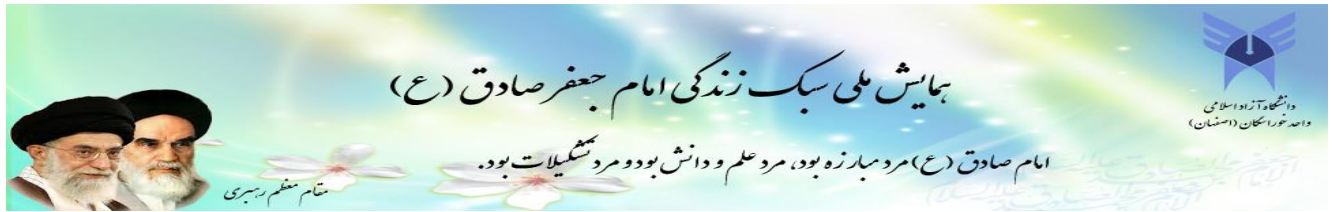
بنی عباس پس از تحکیم پایه های حکومت و نفوذ خود ، همان شیوه ستم و فشار بنی امیه را پیش گرفتند و حتی از آنان هم گوی سبقت را ربودند . کاری که امام حسین (ع) به صورت قیام خونین انجام داد ، اما صادق (ع) در لباس تدریس و ساختن دانشگاهی اسلامی انجام داد . تمامی ائمه (ع) نور واحدند . و هدف آن ها حفظ و نگهداری دین است . و در این میان بنا بر ویژگی های عصر خود ، قیام و قعود ، در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی کند .

حدیث نبوی تایید فرموده است که اسلام به ۷۳ فرقه منشعب شدند و از این فرق در عصر امام صادق (ع) بارزترین آن ها چهار فرقه بودند:

۱-مرجئه: که از فرق تسنن بودند و چون اشاعره پدید آمدند آن ها به نام مرجئه شهرت یافتند .

۲-معتزله: این طبقه در عصر امام صادق (ع) پدید آمدند عمرو بن عبید و واصل بن عطاء در حوزه حسن بصری عزلت گرفتند و ملقب به معتزله شدند . و برخی هم از زمان اعتزال سعد بن ابی وقاص می دانند آن ها می گویند ان الله عزوجل شیء لا کالاشیاء

۳-خوارج: که از حکمیت صفین پدید آمدند و آن ها هم فرقی شدند برخی غلو کردند بعضی به طرف معاویه رفتند و گروهی از هر دو برگشتند و بالاخره از همین فرقه امیرالمومنین علی (ع) را شهید کردند .



۴- تشیع از زمان خود پیامبر بوده که برخی صحابه را شیعه می گفتند مانند سلمان، ابوذر و مقداد.^۲

شیوه برخورد با مخالفان

عصر امام صادق، عصر برخورد اندیشه هاست.

عصر پیدایش فرق و مذاهب متنوع است در چنان شرایطی به وجود آمدن شبهات و اشکالات گوناگون امری عادی به حساب می آید.

به این دلیل بود که امام به دلیل معرفی اسلام و مبانی تشیع، مناظرات متعددی را با سران و پیروان این فرقه ها و مسلک ها داشت. و مسلما در این مناظرات برتری مکتب اسلام و پوچی مکتب های دیگر به اثبات می رسید.

از طرفی در این مناظرات، بی نصیب بودن خلفا از دانش دین به عنوان رد داشتن کوچکترین حقی برای حکومت کردن آن ها بر مردم است. در حدیثی از آن حضرت نقل شده که

نخن قوم فرض الله طاعتنا و انتم تاتمون بمن لا یعذر الناس بجهالتهم.

ما کسانی هستیم که خداوند فرمانبری از آنان را فرض و لازم ساخته در حالی که شما از کسی تبعیت می کنید که مردم به خاطر جهالت او در نزد خدا معذور نیستند^۳

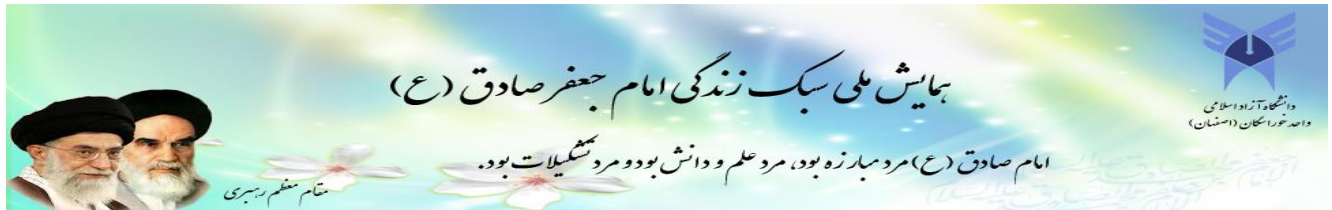
علل اصلی رونق بحث های کلامی در دوران امام صادق:

۱- پیدایش و رشد معتزله و اشاعره

۲- فضای باز سیاسی

^۲- شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان، جعفر بن محمد الصادق، علی پناه، ص ۱۳ و ۱۴

^۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۶



در فاصله ای که جنگ اموی و عباسی در گیر و دار بود حضرت امام صادق (ع) از موقعیت استفاده کرده آن چه از نشر احکام جلوگیری کرده بودند تجدید و در مدت بسیار کمی فرهنگ اسلامی را میان مسلمانان دنیا منتشر ساختند.^۴

۳- گسترش علوم و پیدایش آرای مختلف

۴- نقش شاگردان امام صادق

گروهی از روات بر تصدیق شش نفر از فقهای اصحاب امام جعفر صادق (ع) متفقند و آنان عبارتند از: جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، و ابان بن عثمان و نیز تعدادی از اصحاب او از تابعین هستند مانند اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی و عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع).^۵

ابن شهر آشوب می نویسد: در میان صحابه و رواه علمی مکتب جعفری شش نفر از فقها و ثقات و معتمدین اخبار بودند که هر یک از آن ها به منزله یک پیشوای بزرگ علمی بود. گفتار و اخبار آن ها مورد تصدیق و اعتراف کلیه ی معاصرین بود و در راستی آن ها اجتماع کرده اند. این شش نفر عبارتند از:

جمیل بن دراج، عبید بن مسکان، عبدالله بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، ابان بن عثمان در فقه جعفری و بیان احکام اسلامی هر روایت و خبری که از طرف این ها رسیده باشد مورد اعتماد و وثوق است.^۶

هشام بن حکم از جوان ترین شاگردان ایشان و متبحرترین شاگرد امام صادق (ع) در علم کلام بود که اجازه ی مطلق برای ورود به علم کلام و جلسات مناظرات را داشت. و حضرت او را در بالا دست در سمت راست خود می نشانند.

۵- نقش عمر بن عبد العزیز

۶- گسترش قلمرو جغرافیایی

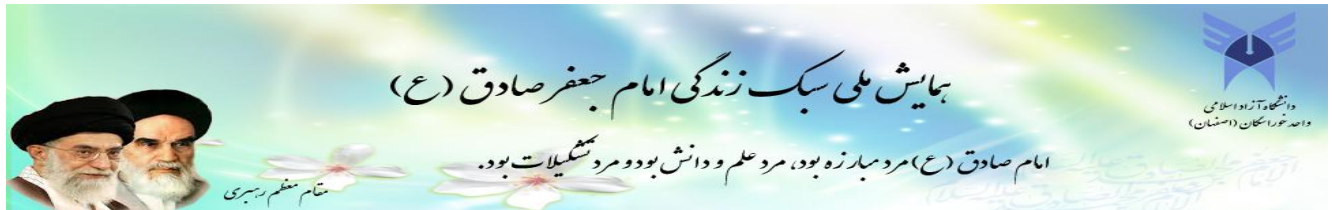
۷- ظهور زنادقه و دهری مذهبان

مکتب جعفری:

۴- حسین عماد زاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۹۳۵

۵- تحفه آثار، ج ۵، ص ۵۳۳

۶- حسین عماد زاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۹۳۸



در مدرسه علمیه جعفری بیش از بیست هزار دانشجو تربیت شد که از کلاس اول تا آخرین حد اجتهاد و استنباط به رهبری امام (ع) پیمودند و آن ها جهان اسلامی را با علم و دانش سیراب کردند. چهار هزار نفر آن ها در یک عصر شروع به تدریس و آموختن کرده و یک قول متفقا گفتند: حدثنا جعفر بن محمد صادق (ع)^۷

بحث آزاد در فرهنگ شیعی امام صادق (ع)

فرهنگی که امام صادق (ع) برای مذهب شیعه به وجود آورد نسبت به فرهنگ های مذهبی آن دوره، یک مزیت داشت و آن آزادی بحث، در آن فرهنگ بود و به همین جهت توسعه یافت و پیش رفت.^۸

محضر درس جعفر صادق (ع) یک جلسه بحث آزاد بود که در آن هر شاگرد می توانست به استاد ایراد بگیرد و اگر بتواند نظریه اش را رد کند. امام صادق (ع) نظریه اش را به شاگردان تحمیل نمی کرد و آن ها را آزاد می گذاشت که نظریه استاد را بپذیرند یا نپذیرند. آن چه سبب می شد که شاگردان امام صادق (ع) نظریه او را بپذیرند تاثیر درس استاد بود. آن چه شاگردان امام صادق (ع) را به محضر درس او می کشانید قوت کلام استاد، و ایمان او به آن چه می گفت، بود و چون امام صادق (ع) به آن چه می گفت ایمان داشت، گفته اش در شاگردان موثر واقع می گردید. بر اثر همین آزادی بحث بود که فرهنگ شیعی قوت و وسعت گرفت^۹

رواه امام صادق (ع)

حضرت امام صادق (ع) در حدود ۴۰۰۰ راوی حدیث دارد که در عصر او کتبی تدوین کردند و ۴۰۰ کتاب در فقه جعفری نوشتند که به چهارصد اصل مشهور است و کتب اربعه: کافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، التهذیب، و الاستبصار از آن اتخاذ شده.

از جمله روایات امام صادق (ع) ابان بن تغلب است که ۳۰۰۰۰ حدیث از پیشوای خود نقل کرده است.^{۱۰}

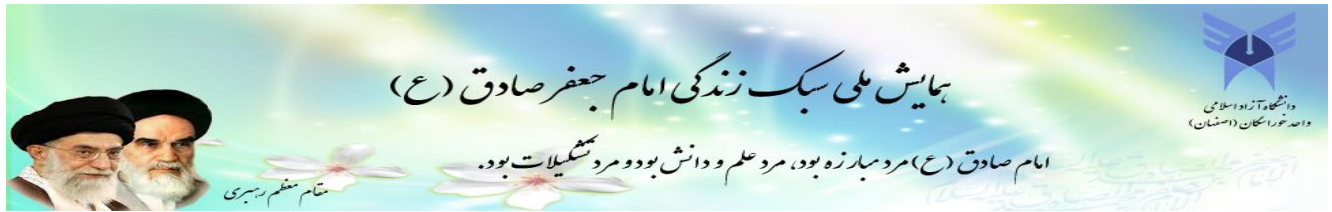
احتجاج شاگردان مکتب جعفری

۷- شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان، جعفر بن محمد الصادق، علی پناه، ص ۶۶

۸- مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور، ص ۱۳۶

۹- مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور، ص ۱۴۲

۱۰- حسین عماد زاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۹۱۹



الف-

هشام بن حکم کسی که در مکتب جعفری در فن احتجاج بر همه مقدم بود. او شنید در مسجد بصره، عمرو بن عبید در وجوب وجود امام در عالم تکوین خلط مبحث می کند.

هشام گوید از کوفه حرکت کردم به طرف بصره. حلقه ای از دانشمندان را دیدم که در صدر مجلس آنان عمرو بن عبید نشستند بود. لباس سیاهی در بر داشت. من در حلقه ی مستمعین آزاد نشستم. و اجازه گرفتم سوال کنم.

هشام- پرسید آیا تو چشم داری؟

عمرو- ای فرزند این چه سوالی است؟ مگر نمی بینی که چشم دارم؟

-آری می بینم ولی سوال من از این قبیل است

--سوال کن اگر چه کودکانه است

-با چشم چه می بینی؟

-با آن رنگ ها را می بینم و دوستان و آشنایان را می شناسم.

-آیا بینی داری؟

-آری اگر چه سوال تو عاقلانه نیست

-با بینی چه می کنی؟

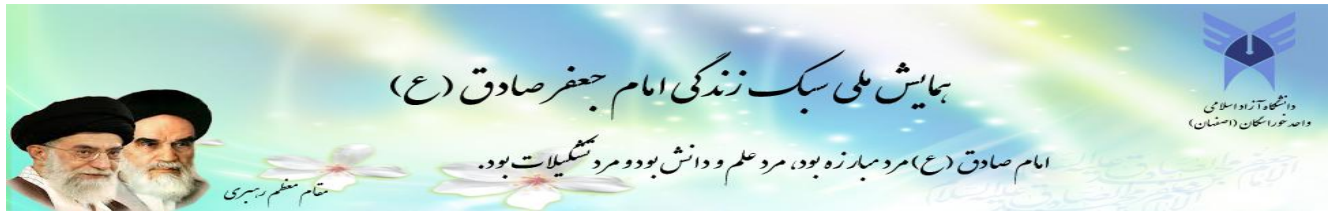
-درک بوهای خوب را از بد می کنم

-آیا دهان داری؟

-آری با آن مزه ها را می چشم و تلخ را از شیرین تشخیص می دهم.

-تو گوش داری؟

-آری با آن الحان و آوازه ها را می شنوم و آشنا رال از غیر جدا می کنم



-ای عمرو آیا قلب هم داری؟

-آری

-با قلب چه می کنی؟

-با قلب تمیز می دهم که هر چه که وارد اعضا می شود با آن عقل فکر می کنم ضروریاتی که علم به آن ها به سبب حواس پیدا شده درک می کنم و علم به مجهولاتی پیدا می کنم که حواس نمی تواند آن را به دست آورد.

- چگونه این علم حاصل می شود؟

-مثلا بویی را که مشام نمی تواند تشخیص دهد چه بویی است ولی قلب می تواند تشخیص دهد

-ای استاد با وجود تعدد حواس تو از قلب بی نیاز هستی؟چه حاجتی به آن داری؟

-ای فرزند چون حواس خودشان مشخص نیستند ممیز و فرق گذارنده بین صلاح و فساد مدرکات حس قلب است. و لذا باید قلب صلاح و فساد و مدرکات حواس را تشخیص دهد.

-ای استاد اگر جوارح با استقلال تامی که دارند باز هم در مدرکات محتاج به پیشوایی هستند که صحیح را از سقیم بشناسد چگونه جامعه ی بشری که هر فردی از آن در حواس و احساسات خود غالب در اشتباه می روند نیازمند به پیشوایی آسمانی نیستند تا آن ها را از شک و تردید حفظ کند؟

-آیا تو هشام نیستی؟

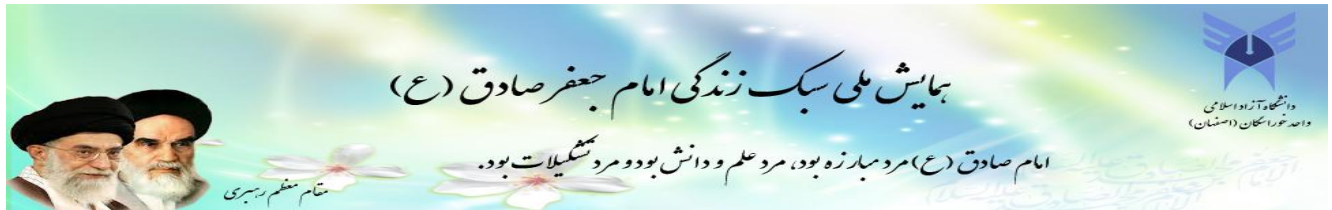
-آری

-تو حتما هشام هستی زیرا این منطق غیر از منطق تربیتی جعفر بی محمد نیست

هشام با این منطق ثابت کرد که محور جامعه بشر بر وجود امام استوار است. و امام به منزله قلب در کشور تن است¹¹

ب-روزی ابن ابی العوجاء از هشام بن حکم که هر دو از شاگردان امام جعفر صادق (ع) هستند، پرسید: آیا خداوند متعال حکیم و به همه ی امور و مسائل دانا است؟

11- شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان، جعفر بن محمد الصادق، علی پناه، ص ۱۲۷ و ۱۲۸



پاسخ داد: آری، او حکیم ترین حکیمان است.

پرسید: آیه قران "فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم..." که می فرماید آن چه از زنان مورد علاقه ی شما قرار گیرد می توانید تا چهار زن ازدواج نمائید و اگر نتوانستید بین آن ها عدالت نمائید به یک نفر اکتفا کنید، آیا ضروری و حتمی است؟

هشام گفت: بله

سپس پرسید: پس آیه ی قران "و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء" که می فرماید هرگز نخواهید توانست بین زنان به عدالت رفتار نمائید، آیا با آیه قبل منافات ندارد؟

هشام از دادن پاسخ ساکت ماند و سریع به سمت منزل امام صادق (ع) حرکت نمود.

امام فرمود: چه عجب اکنون که موقع حج نیست چطور این جا آمده ای؟

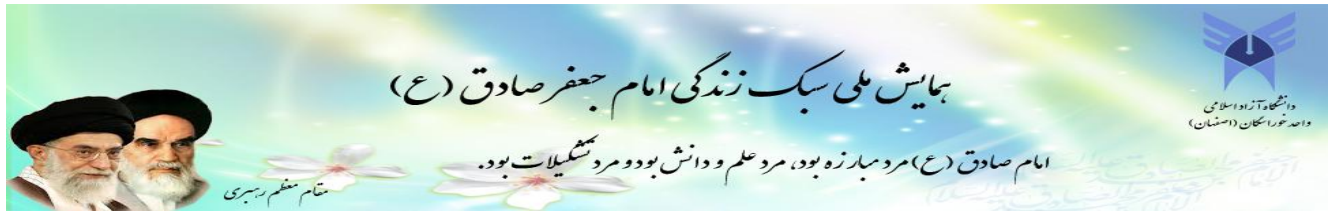
هشام داستان را برای امام تعریف کرد. حضرت فرمود: در رابطه با آیه اول مقصود مخارج زن می باشد و آیه دوم مقصود علاقه و محبت است. که امکان ندارد مردی نسبت به تمام همسران خود یک نوع ابراز علاقه کند. بنابراین در این جهت رعایت عدالت امکان ندارد بر خلاف آیه اول که امکان عدالت هست. و می توان برای هر کدام یک نوع لباس، خوراک و ... خرید.

بعد از آن هشام از حضرت صادق (ع) خدا حافظی کرد و چون نزد ابن ابی العوجاء آمد و جواب حضرت را بازگو کرد. ابن ابی العوجاء گفت به خدا قسم این جواب از خودت نمی باشد.^{۱۲}

ب-

گروهی از یاران و اصحاب ما از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن حکم، از ابان روایت کنند که گفت: احوال مرا خبر داد که زید بن علی بن حسین (ع) زمانی که متواری و پنهان بود مرا خواست، نزدش رفتم، به من گفت: ای اباجعفر اگر از خانواده ما کسی نزد تو آید آیا با او به جهت جنگ می روی؟ به او گفتم: اگر پدر یا برادرت مرا خواهند می آورم، گفت: جان خود را بر جان من ترجیح می دهی؟ گفتم: من یک جان بیشتر ندارم، اگر در زمین امام و حجتی جز تو باشد، هر کس از تو کناره گیرد نجات یافته، و هر کس با تو بیاید هلاک گردیده است، و اگر خداوند را امام و حجتی در زمین نباشد، آن کس که از تو کناره گیرد با آن که همراهیت نماید برابر است، گفت: ای اباجعفر من با پدرم سر یک سفره می نشستم و او پاره

12-چهل داستان و چهل حدیث از امام جعفر صادق، عبدالله صالحی، ص ۶۵



ی گوشت چرب را برایم لقمه می کرد، و لقمه ی داغ را برای دلسوزی به من سرد می کرد، ولی از گرمی آتش دوزخ بر من دلسوزی نکرده است؟ تو را از روش دینداری آگاه کرده و مرا آگاه ننموده است؟ گفتم: فدایت گردم چون از آتش دوزخ به تو دلسوزی کرده خبرت نداده است زیرا خوف آن داشت که تو نپذیری و به دوزخ روی ولی به من خبر داده که اگر بپذیرم نجات یابم و اگر نپذیرم از دوزخ رفتن من باکی ندارد، سپس گفتم: فدایت گردم، شما برترید یا پیامبران؟ گفتم: پیامبران، گفتم: یعقوب به یوسف می گوید: داستان خواب دیدنت را به برادرانت مگو، مبادا برایت نیرنگی بریزند، چرا آنان را خبر نداد تا به او نیرنگ نزنند، بلکه آن را پنهان ساخت؟ همچنین پدر تو مطلب را از تو پنهان کرد. زیرا بر تو بیم داشت. احوال گوید: من به حج رفتم و گفتگوی خودم را با زید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم، حضرت فرمود: راه پس و پیش و راست و چپ و زیر و بالا را بر او بستی و راهی برای او نگذاشتی.^{۱۳}

فصل دوم

مناظرات مختلف امام صادق

بدیهی است که تنها می توان به نمونه ای از آن اشاره کرد.

مناظرات با ابو حنیفه:

ابو حنیفه، پیشوای یکی از مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت، شاگرد جعفر صادق بود. مدت شاگردی او را دو سال دانسته‌اند.

الف- محمد بن عبید، از حماد، از محمد بن مسلم نقل کرده است که گفته است: ابو حنیفه بر امام صادق (ع) وارد شد و به ایشان گفت: پسرت موسی را دیدم که نماز می خواند و مردم از جلو او می گذرند، اما او آنان را باز نمی دارد. در حالی که در این مسئله عیب هایی است که هست. امام صادق فرمود: موسی را نزد من بخوان. چون به حضور آمد به او گفت: پسرم، ابو حنیفه می گوید تو نماز می گذاری و در همان حال مردم از پیش تو می گذرند اما آنان را باز نمی داری؟ گفتم: آری پدرم آن که برایش نماز می خواندم، بیش از آن رهگذران به من نزدیک است. او خود می فرماید: و نحن اقرب الیه من حبل الوریث. راوی گوید: پس امام فرزند را در آغوش کشید و فرمود: ای مخزن رازها پدرم مادرم به فدای تو باد. امام صادق (ع) آن گاه از ابو حنیفه پرسید: ای ابو حنیفه نزد شما قتل سنگین تر است یا زنا؟ گفت: قتل. فرمود: پس

¹³-ترجمه و شرح اصول کافی تالیف صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، کتاب فضل علم و کتاب حجت، ص ۴۰۲



چگونه خداوند در قتل به دو شاهد و در زنا به چهار گواه فرمان داده است؟ چگونه این نکته به قیاس درک شود؟ ای ابوحنیفه، آیا ترک نماز سخت تر است یا ترک روزه؟ گفت: ترک نماز فرمود: پس چگونه زن روزه خود را قضا کند ولی نمازهای خود را قضا نکند؟ چگونه این مسئله به قیاس درک شود؟ ابوحنیفه، ای تیره بخت، زنان در کار و کسب ناتوان ترند یا مردان؟ گفت: زنان فرمود: پس چگونه خداوند برای زن یک سهم (از ارث) و برای مرد دو سهم قرار داده است؟ چگونه این به قیاس درک شود؟

ای ابوحنیفه، وای بر تو! می گویی من به زودی همانند آن چه خداوند فرو فرستاده است خواهم فرستاد؟ گفت: پناه بر خدا که چنین سخنی بگویم. فرمود: اما تو و یاران تو بی آن که بدانید، همین سخن را می گوید. پس ابوحنیفه گفت: فدایت شوم. برایم حدیثی نقل کنیم. فرمود: محمد بن علی از پدرش علی ابن ابی طالب نقل کرده است که فرموده است پیامبر خدا فرموده است خداوند اهل بیت را از اعلیٰ علیین ستانده و سرشت شیعه ها را از ما گرفته است و اگر همه آسمانیان و زمینیان بکشند چیزی از این را تغییر دهند بدان توان نخواهند یافت. راوی می گوید: پس ابوحنیفه سخت بگریست و یارانش سخت بگریستند. آن گاه بیرون رفتند و آنان نیز بیرون رفتند.¹⁴

ب- روزی ابوحنیفه، برای ملاقات با امام صادق (ع) در خانه‌ی امام آمد، و اجازه‌ی ملاقات خواست امام اجازه نداد. ابوحنیفه گوید: دم در مقداری توقف کردم تا اینکه عده‌ای از مردم کوفه آمدند، و اجازه‌ی ملاقات خواستند، به آنها اجازه داد. من هم با آنها داخل خانه شدم وقتی به حضورش رسیدم گفتم: «شایسته است که شما نماینده‌ای به کوفه بفرستید و مردم آن سامان را از ناسزا گفتن به اصحاب محمد نهی کنید. بیش از ده هزار نفر در این شهر به یاران پیامبر ناسزا می گویند.

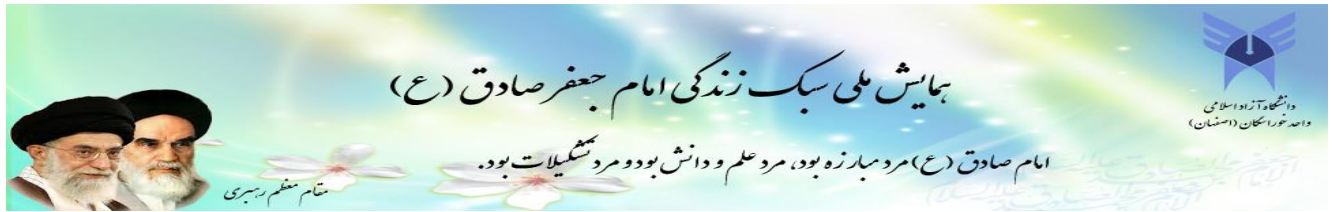
امام: مردم از من نمی پذیرند

ابوحنیفه: چگونه ممکن است سخن شما را نپذیرند در صورتی که شما فرزند پیامبر خدا هستید؟
امام: تو خودت یکی از همان ها هستی که گوش به حرف من نمی دهی. مگر بدون اجازه‌ی من داخل خانه نشدی؟ و بدون اینکه بگویم ننشستی؟ و بی اجازه شروع به سخن گفتن نمودی؟ شنیده‌ام که تو بر اساس قیاس فتوا می دهی
ابوحنیفه: آری

امام: وای بر تو اولین کسی که بر این اساس نظر داد شیطان بود. وقتی که خداوند به او دستور داد که به آدم سجده کند، گفت: من سجده نمی کنم، زیرا که مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و آتش گرامی تر از خاک است.

امام فرمود: شنیده‌ام که این آیه را (ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم) یعنی (در روز قیامت به طور حتم از نعمت ها سؤال

¹⁴اختصاص، ابو عبدالله محمد بن محمد شیخ مفید، ترجمه و تحقیق حسین صابری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ص ۲۴۶



می‌شوید) چنین تفسیر می‌کنی که: خداوند مردم را از غذاهای لذیذ و آبهای خنک که در فصل تابستان می‌خورند مؤاخذه و بازخواست می‌کند

ابوحنیفه گفت: درست است من این آیه را این طور تفسیر کرده‌ام

امام فرمود: اگر مردی تو را به خانه‌اش دعوت کند و با غذای لذیذ و آب خنکی از تو پذیرایی کند و بعد برای این پذیرایی به تو منت بگذارد، درباره‌ی چنین کسی چگونه قضاوت می‌کنی؟

ابوحنیفه گفت: می‌گویم آدم بخیلی است.

امام فرمود: آیا خداوند بخیل است تا این که در روز قیامت در مورد غذاهایی که به ما داده ما را بازخواست کند؟

ابوحنیفه گفت: پس مقصود از نعمتهایی که قرآن می‌گوید انسان مؤاخذه می‌شود چیست؟

امام فرمود: مقصود نعمت دوستی ما خاندان رسالت و اهل بیت است.^{۱۵}

مناظره با طبیب هندی:

طبیب: میل دارید از این مطالب که می‌دانم به شما بگویم.

امام: نه، من بهتر از این‌ها را دارم.

هندی پرسید: آن‌ها چیست؟ امام فرمود: ما گرمی را به سردی و سردی را به گرمی و تر را به خشک و خشک را به تر

معالجه می‌کنیم و در عین حال به امید خدا هستیم و به آن چه رسول خدا (ص) فرموده است عمل می‌کنیم. طبیب

گفت: طب غیر از این‌ها نیست. امام فرمود: از تو چیزی می‌پرسم چرا در سر انسان شصت استخوان ریز وجود دارد، چرا

موی سر انسان روی سر او بیرون می‌آید و چرا پیشانی خالی از مو شده، چرا در پیشانی خطوط و شیارهایی هست، چرا

روی چشم ابرو قرار داده شده، چرا چشم انسان شبیه به بادام است...

طبیب هندی: نمی‌دانم

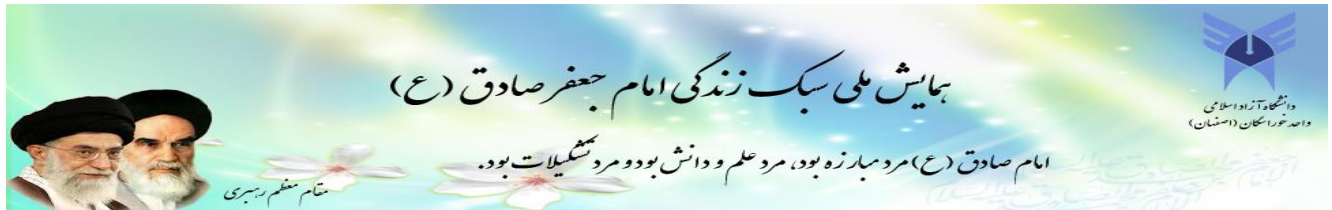
امام: در سر شصت استخوان ریز هست به این جهت که یک چیز مجوف اگر بین قطعات آن فاصله نباشد، به زودی می

شکند و اگر برای آن فاصله‌هایی قرار دهند و تقسیماتی داشته باشد، دیرتر از بین می‌رود و شکستگی پیدا نمی‌کند. موی

سر به آن جهت بالای سر است که بخار و چربی‌ها از مغز خارج شود و سردی و گرمی را از سر خارج کند و آن که

پیشانی خالی از مو است به آن جهت است که نور را ابره مخزن نور چشم برساند. خطوط و شیارهای پیشانی برای آن است

که عرقی را که از سر می‌ریزد به قدری در خود نگاه دارد که به چشم نریزد تا فرصت پاک کردن آن به انسان دست دهد



و ابروان را روی چشم قرار داده تا نور به قدر کفایت به چشم برسد.^{۱۶}

مناظره با مادی گرایان:

در عصر امام صادق (ع) عقائد مادی ریشه ی استواری گرفته بود.

۱- ابن ابی العوجا

۲- ابن طلوت

۳- ابن اعمی

۴- ابن مقفع

تنها امام صادق بود که همچون سدی شکست ناپذیر در برابر ایرادها و اشکالات این قوم استقامت می ورزید.

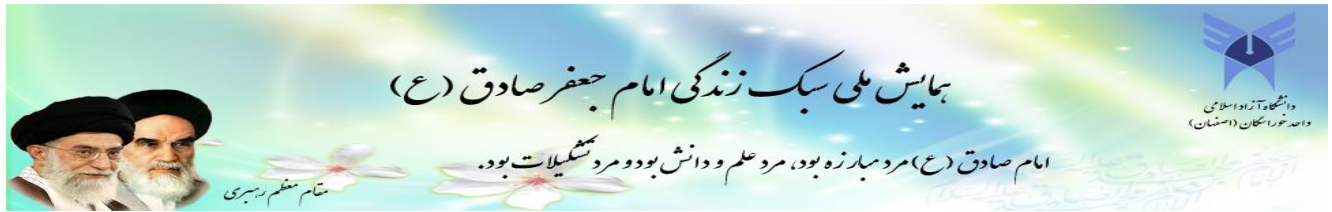
مناظره با دانشمندی مادی

مادی: آیا شما نمی گوئید که خدا فرموده: مرا بخوانید تا خواسته ی شما را انجام دهم؟ در صورتی که ما می بینیم، بیچاره، او را دعا می کند، ولی اجابت نمی کند، مظلوم، او را بر علیه ظالم دعوت می کند، ولی او یاریش نمی کند؟

امام: هیچ کس نیست که خدا را بخواند، مگر این که خدا دعای او را مستجاب می کند، اما ظالم، دعایش مردود است تا توبه کند و اما غیر ظالم اگر اجابت دعایش به صلاح او باشد، دعایش را مستجاب می کند، و اگر به صلاح او نباشد خداوند بلاهایی را به طوری که خودش هم متوجه نیست از او دفع می کند، و پاداش فراوانی برای روز نیازش ذخیره می کند. شخص با ایمان خداشناس گاه می شود در موردی که نمی داند در واقع به صلاح اوست یا نه، دعا کردن برایش مشکل است. گاه می شود انسان دعا می کند برای از بین رفتن کسی که بر اساس سنت تغییرناپذیر آفرینش هنوز هنگام از بین رفتنش نرسیده. گاه می شود دعا برای باران می کند و شاید در واقع باران آمدن در آن وقت صلاح نیست چون خداوند به تدبیر جهان آگاه تر است. این امور و امثال آن که زیاد است در بسیاری از موارد مانع اجابت دعا می گردد، خوب دقت کن.^{۱۷}

16- صادق آل محمد، محمود داوری، ص ۵۵

17- محمدی ری شهری، بحث آزاد در السلام، ص ۲۰۲



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

ابوشاکر دیصانی که از پیشوایان مکتب مادی بود یک روز به حضور امام شرفیاب شد و گفت:

پدران تو مردمی دانشمند و درخشان بوده اند و مادران تو نیز از فکر و علم بهره ای داشتند. ما اعتقاد داریم که جهان قدیم است، بی ابتداست. و شما که این جهان را حادث می شمارید چه منطق معقولی دارید. امام با مهربانی تخم مرغی را برداشت و فرمود: نگاهش کنید. در زیر این پوست نقره فام دو مایع غلیظ تکوین شده است که هرگز به هم نمی آمیزند.

و ما امروز این را در زیر بال های گرم مرغی می گذاریم و در انتهای چندین روز طاووسی رنگین پر و بال سر می کشد.

- چرا این طور است

- این تخم مرغ تا دیروز وجود خارجی نداشت. آیا می توانیم این تخم مرغ یا آن طاووس را ازلی و قدیم بنامیم. این جهان اگر قدیم بود باید اجزایش نیز از قدیم وجود می داشتند. باید تخم مرغ همیشه تخم مرغ بود و طاووس نیز مستغنی از وجود تخم مرغ بال و پر می افراشت. این جاست که به حدوث جهان پی می بریم.

این طور نیست؟

- بله این طور است. با برهان خود این تیرگی را روشن فرمودی.

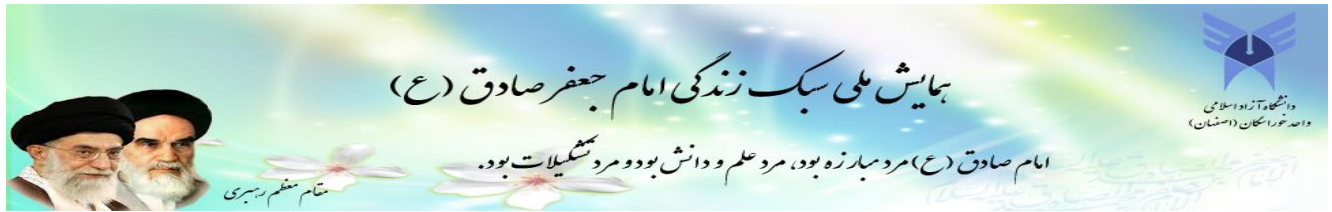
و اکنون یک سوال دیگر :

- چشمان ما می بیند گوش های ما می شنود معنی این حواس چیست؟ این حواس ما را به این حقیقت نزدیک می سازند که ملاک حقایق در جهان ادراک های مادی است. و آنچه را با حواس خود نمی توانیم درک کنیم موهومی بیش نیستند آیا این طور نیست؟

- این طور نیست. ابا شاکر! می دانی چرا؟ آن چه را از حواس خمسه تعریف کرده ای آلاتی بی حس و حال را یکی پس از دیگری شمرده ای. چشم آلت دیدن است و گوش آلت شنیدن و زبان آلت ذوق و بشره آلت لمس و بینی آلت استشمام است. آن چنان که ظلمت را پی چراغ نشاید این آلات پنج گانه را نیز بی نیروی معنویش نمی توان به کار انداخت.^{۱۸}

مناظره با جابر بن حیان

18- شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان، جعفر بن محمد الصادق، علی پناه، ص ۸۷ و ۸۸



ابوشاکر مردی بود منکر و بدون علم. اما بعضی از شاگردان امام صادق (ع) که از دانشمندان به شمار می آمدند نیز با استاد بحث می کردند و یکی از آن ها جابر بن حیان بود. شاگردان امام جعفر صادق (ع) از این جهت با استاد بحث می کردند که علوم را بهتر درک کند و امام صادق (ع) در جهان اسلامی اولین مدرس است که بحث را بین شاگرد و استاد یا بین شاگردان برقرار نمود و این موضوع در اعصار بعد در مدارس اسلامی و بالاخص در مدارس شیعه جزء سنت شد و شاگردان بعد از هر درس، بین خود، مباحثه می کردند تا این که درس استاد را بفهمند.¹⁹

جابر: چرا پیامبر قبله مسلمین را تغییر داد؟

امام: پیامبر این کار را به دستور خدا انجام داد.

جابر: مگر خداوند دانای مطلق نیست؟

امام: چرا.

جابر: تغییر دادن تصمیم در زندگی ما ناشی از نادانی ما است. خداوند که دانای مطلق است. و همه چیز را برای همیشه می داند. نباید تصمیم خود را تغییر دهد، پس با این که در ابتدا دستور داده به طرف بیت المقدس مسلمانان نماز بخوانند چرا پس از مدتی تصمیم خود را عوض کرد و دستور داد به طرف کعبه نماز بخوانند.

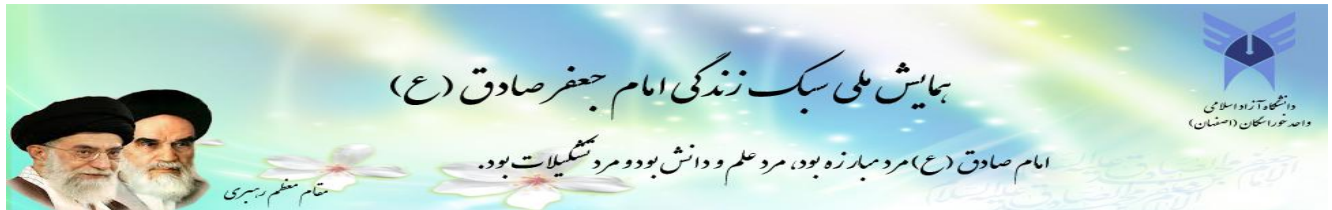
امام: ای جابر، یک کفه استدلال تو درست است، اما کفه دیگر نادرست، و از این بدتر، تو کفه سومی را هیچ در نظر نگرفته ای.

جابر: کدام کفه؟

امام: مردم

تو متوجه نشده ای که خداوند قوانین را برای انسان وضع می کند، نه جماد، زندگی جماد یکنواخت است. و لذا قوانین مربوط به آن نیز ثابت است. ولی زندگی اجتماعی انسان تغییرپذیر است و خداوند در هر دوران به اقتضاء وضع زندگی نوع بشر قوانین خاصی به وسیله پیامبران خود برای آن ها وضع کند. خداوند از ابتدا می دانست که به مسلمانان دستور می دهد که به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و نیز می دانست که پس از مدتی قبله آن ها را تغییر می دهد. این من و تو هستیم که تصور می کنیم احکام خدا تغییر کرده است ولی خود او می داند که قوانین او ثابت است. دو مثال می زنم تا آن چه را می گویم بهتر درک کنی: مگسی که در نیمه بهار متولد می شود اگر تا فصل زمستان زنده بماند و مواجه با سرمای

19- مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری، ص ۵۱۲



زمستان گردد فکر می کند که قواعد جهان دگرگون شده، ولی آیا برای من و تو هم مطلب چنین است؟

جابر: نه

امام: من و تو چنین پیش بینی می کردیم که پس از تابستان، زمستان خواهد آمد، در نظر ما هیچ گونه تغییر در قوانین جهان آفرینش به وجود نیامده.

مثال دیگر:

فرض می کنیم تو دادرای ملکی هستی و آن را در اختیار مردی می گذاری تا یک سال ولی او نمی داند که مدت مباشرت او محدود است پس از گذشتن یک سال که می خواهی ملک را از او بگیری تعجب می کند و فکر می کند که تصمیم تو عوض شده در صورتی که تصمیم تو از ابتدا موقت بوده است. قوانین خداوند هم که در نظر ما متغایر یا متضاد جلوه می کند همین طور است، ولی خداوند تمام قوانینی که باید مقرر نماید از ابتدا پیش بینی کرده است و برای او تصمیم های متضاد مفهوم ندارد.

جابر: عقده ام گشوده شد و تا امروز مسئله تغییر قبله برای من وزنه ای شده بود که بر روحم سنگینی می کرد، ولی باز هم راجع به این موضوع پرسش دارم؟

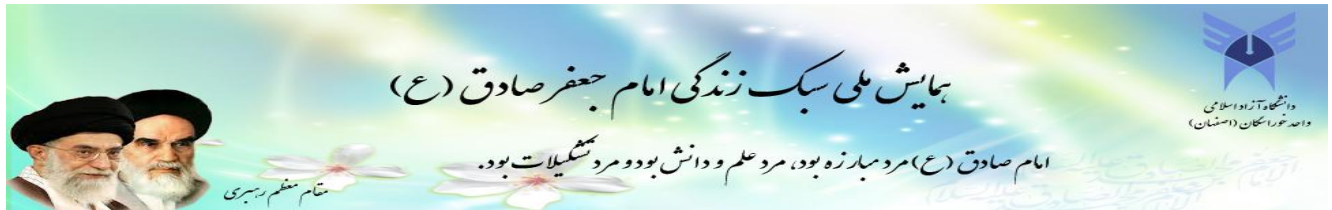
امام: سوال کن

جابر: فلسفه این که در ابتدا خداوند دستور داد که به سوی بیت المقدس نماز گذارند، و سپس به سوی کعبه چیست؟

امام: هنگامی که پیامبر اسلام رسالت خود را شروع کرد مسلمین اندک بودند و ناتوان و برعکس پیروان مکتب یهود، و مسیح اکثریت داشتند و نیرومند... مخالفت کردن با آن ها در موضوع قبله قطعاً خشم آن ها را برمی انگیزد و لذا خداوند به مسلمین دستور داد که به سوی بیت المقدس نماز بخوانند تا این که یهودیان و مسیحیان که هر دو برای بیت المقدس احترام فراوان قائلند، مسلمین را با نظر کینه ننگرند و آن ها را دشمن خود نخوانند و در صدد محوشان برنیایند.

جابر: باید همین طور باشد که می فرمائید نماز گزاردن مسلمین به سوی بیت المقدس یهودیان و مسیحیان را آرام کرد، ولی چرا کعبه به عنوان قبله انتخاب شد، آیا ممکن نبود که مکانی دیگر انتخاب گردد؟

امام: وضع کعبه را پیش از فتح مکه به دست پیامبر اسلام می دانی؟



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



جابر: آری آن جا بت خانه بود.

امام: آن بت ها را که می پرستید

جابر: مردم جزیره العرب

امام: در جزیره العرب چه کسانی بت پرست نبودند؟

جابر: به جز یهودیان و افراد معدودی مسیحی، همه.

امام: تمام قبیله های عرب در کعبه بت داشتند و روی این حساب کعبه برای تمام مردم جزیره العرب محترم بود و هنگامی که پیامبر به مسلمانان گفت که به سوی کعبه نماز بخوانند نه فقط از آن دستور حیرت نکردند بلکه می توانم بگویم که نماز خواندن به سوی کعبه برای آن ها آسان تر از این شد که به سوی بیت المقدس بخوانند.

جابر: ولی اسلام محدود به جزیره العرب نشد و در شرق و غرب گسترش یافت.

امام: همین طور است.

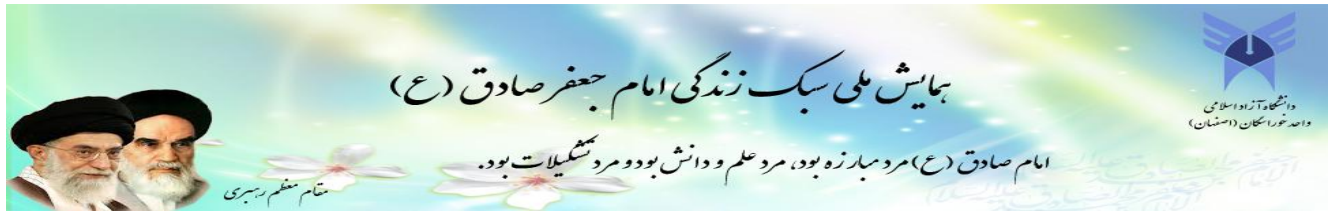
جابر: کعبه برای کسانی که عرب نبودند احترام نداشت؟

امام: پس از این که پیامبر اسلام به فرمان خداوند کعبه را قبله مسلمین قرار داد ملتی هابی که عرب نبودند پس از اسلام نسبت به کعبه برای اسلام یک مرکزیت بزرگ روحانی به وجود آورد که نظیر آن در هیچ یک از ادیان گذشته وجود نداشته است....

جابر: آیا مرکزیت کعبه برای نماز اهمیتش بیشتر است یا مرکزیت آن برای حج؟

امام: مرکزیت آن برای نماز زیرا بسیاری از مسلمانان نمی توانند حتی یک بار در تمام عمر به مکه بروند، ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان که هست روزی پنج بار، به سوی کعبه نماز می خواند و می توان گفت در هر شبانه روز پنج بار نگاه تمام مسلمانان جهان در کعبه به هم می رسد

این مرکزیت در هیچ یک از ادیان گذشته وجود نداشته و در آینده هم به وجود نمی آید.....^{۲۰}



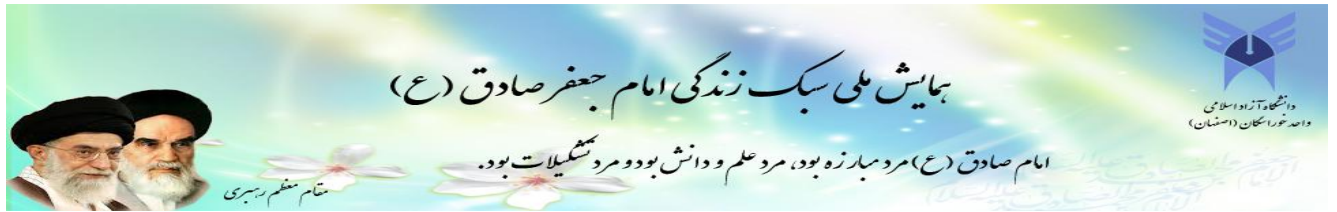
نتیجه:

مباحث علمی امام صادق (ع) دانشگاهی بود به وسعت تاریخ. امام صادق نظریه اش را به شاگردان تحمیل نمی کرد و آن ها را آزاد می گذاشت. امام صادق (ع) را اولین استاد می دانند که مباحثه را بین استاد و شاگرد و بین شاگردان معمول ساخت. یکی دیگر از مشخصات مناظرات امام صادق (ع) این بود که بر تغییر گفت و گوی طرف روبرو اصرار نمی شد. و اصل را بر روشنگری قرار می داد نه نتیجه گیری. بر اثر همین بحث آزاد بود که فرهنگ شیعی قوت و وسعت یافت.

آزادی بحث و انتقاد در مسائل مذهبی یکی از ویژگی های اسلام است. بنابراین اگر ارائه ی اندیشه ها و آموزه های دینی و پاسخگویی به شبهات و سوال ها بر اساس آگاهی کامل و منطقی صورت گیرد. چهره ی زیبای حقایق آشکار شده و تشنگان یافتن حقیقت را سیراب خواهد کرد.

فهرست منابع :

- ۱- شرح زندگانی و سخنان ششمین امام شیعیان، جعفر بن محمد الصادق، علی پناه
- ۲- اختصاص، ابو عبدالله محمد بن محمد شیخ مفید، ترجمه و تحقیق حسین صابری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- ۳- عبدالله صالحی، چهل داستان و چهل حدیث از امام جعفر صادق،
- ۴- محمدی ری شهری، بحث آزاد در اسلام، نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۵- حسین عماد زاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، نشر طلوع
- ۶- تحفه آثار، تلخیص و ترجمه بحار الانوار، به کوشش موسسه فرهنگی شمس الضحی، ج ۵
- ۷- مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری
- ۸- ترجمه و شرح اصول کافی تالیف صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، کتاب فضل علم و کتاب حجت



۱۰- رئیس مکتب تشیع صادق آل محمد (ع)، محمود داوری، انتشارات نور اسلام